

بررسی رابطه بین اقتصاد دانش بنیان، سرمایه گذاری خارجی و گردشگری با توسعه پایدار در کشور ایران (با تاکید بر اقتصاد دانش بنیان)

مهسا خدائی^۱، احسان بشارت^۲

^۱ کارشناسی ارشد، رشته علوم اقتصاد، واحد علوم تحقیقات آذربایجان غربی، Mahsakhodae5@gmail.com

^۲ استاد دانشگاه پیام نور ارومیه، دانشکده مدیریت و اقتصاد، Ehsan.basharat67@gmail.com

چکیده - توسعه پایدار و اقتصاد مبتنی بر دانش دو مفهوم اساسی هستند که توسط اکثریت کشورهای جهان از جمله کشورهای عضو اتحادیه اروپا مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. هدف این مقاله بررسی پیشرفت و دستیابی به توسعه پایدار با تاکید بر اقتصاد دانش بنیان برای دوره زمانی ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۳ در کشور ایران می باشد. برای این کار با استفاده از مولفه های توسعه پایدار (میزان تولید سرانه، عدالت توزیعی، عملکرد زیست محیطی) و مولفه های اقتصاد دانش بنیان (شاخص آموزش، شاخص توسعه انسانی، تعداد مشترکین تلفن ثابت (به ازاء هر ۱۰۰ نفر)، شاخص فناوری اطلاعات و تعداد مقالات علمی و فنی چاپ شده) و با بکارگیری روش تحلیل عاملی دو شاخص جامع برای متغیرهای ذکر شده استخراج شد. و سپس با استفاده از روش حداقل مربعات معمولی اصلاح شده (FMOLS) به بررسی ارتباط اقتصاد دانش بنیان با توسعه پایدار پرداخته شد. نتایج نشان داد که متغیر اقتصاد دانش بنیان تاثیر مثبت و معنی داری بر روی توسعه پایدار دارد. همچنین مطابق نتایج بدست آمده مشخص شد که متغیر گردشگری تاثیر مثبت و معنی دار و متغیر سرمایه گذاری مستقیم خارجی تاثیر منفی و معنی داری بر روی توسعه پایدار در کشور ایران دارد. و در نهایت نتایج نشان داد که متغیر مجازی پروتکل ایمنی زیستی نیز تاثیر مثبت و معنی داری بر روی توسعه پایدار دارد. کلید واژه: اقتصاد دانش بنیان، توسعه پایدار، سرمایه گذاری خارجی، گردشگری، حداقل مربعات معمولی اصلاح شده

۱- مقدمه

تعریف توسعه پایدار را ارائه کرد. این تعریف اغلب نقل قول شده است و بیان می دارد که "توسعه پایدار توانایی تامین نیازهای حال حاضر را بدون به خطر انداختن توانایی نسل های آینده برای رفع نیازهای خود داشته باشد" (ویوین ، ۲۰۰۸). هر کشوری نیاز به افزایش سطح توسعه خود با توجه به منابع موجودش دارد. اما همان طور که اکثر منابع محدود هستند، باید استفاده از این منابع به طور پایدار باشد تا نیازهای نسل های آینده را نیز تامین کنند. امروزه بسیاری از کشورها روند توسعه پایدار را همراه با روند ایجاد اقتصاد مبتنی بر دانش انجام می دهند (جدناک و کراگولج ، ۲۰۱۵). برای رسیدن به برخی تغییرات و اصلاحات مرتبط، این دو فرایند باید هماهنگ شوند. به این ترتیب، دانش به عنوان یک منبع دائمی همواره در اختیار بنگاه های اقتصادی قرار گرفته و با مشارکت مکرر در فرایند های گوناگون تولیدی و خدماتی، سبب افزایش مزیت رقابتی و ایجاد ارزش افزوده می شود که این امر میتواند سبب گسترش رفاه اجتماعی و عامل کاهش فقر و بی عدالتی و موجب ارتقای روند توسعه پایدار گردد. از این رو می توان چنین استنباط کرد که نقش دانش و آموزش در تحقق اهداف توسعه بسیار بارز بوده و

تغییرات دائمی که نه تنها از پیشرفت علمی، تکنولوژیکی و فنی بلکه از راه های مدرن کسب و کار انجام می شود، هر روز در سراسر جهان اتفاق می افتد. تولید کنندگان در بازارهای جهانی نیاز به تطبیق فعالیت های خود با تغییرات جاری دارند. علاوه بر این، هر کشوری تلاش می کند تا سطح توسعه اقتصادی خود را برای دستیابی به یک سطح زندگی بهتر و رفاه بیشتر بهبود بخشد. توسعه اقتصادی بر مبنای عوامل خاصی است که باید سطح تولید، اشتغال، درآمد، مصرف و سایر شاخص های اقتصادی را افزایش دهد. به هر حال، با توجه به تغییرات جهانی، یک مفهوم جدید در دهه ۱۹۸۰ معرفی شد با عنوان "توسعه پایدار". این مفهوم شامل مولفه های اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی و محیطی است. در واقع مفهوم توسعه پایدار علاوه بر اهداف اقتصادی، شامل اهداف دیگری همچون فقر، آموزش و پرورش، مراقبت های بهداشتی، حفاظت از محیط زیست، مهاجرت جمعیت، انکشاف اجتماعی و غیره می باشد (روبیایی ، ۲۰۱۳). در اکتبر ۱۹۸۷، کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه (WCED)، کمیته برانتلند در گزارش آینده مشترک ما